

ثور (Thor) جهانگرد ۴۱ ساله دست به یک ماجراجویی ویژه زده و تصمیم دارد تنها بی به تمام کشورهای جهان سفر کند. اما این تمام ماجرا نیست. در این سفرها، او از هواپیما استفاده نمی کند و البته حداقل ۲۴ ساعت در هر کشور توقف خواهد کرد. آن‌جا که اوطلی این سفرها سفیر حسن نیت صلیب سرخ دانمارک هم هست، در هر کشوری باز دید از دفتر صلیب سرخ یا هلال احمر آن کشور را هم در برنامه دارد.
ثور این سفر طولانی و ماجراجویانه را شش سال و نیم قبل، یعنی ۱۸ مهر ۹۲ شروع کرده و حالا بعد از باز دید از ۱۹۴ کشور و حاکمیت مستقل و در حالی که تنها با سفر به ۹ کشور دیگر می تواند رگورد سفر به همه کشورهای جهان بدون استفاده از هواپیما را به نام خودش ثبت کند، بیش از سه ماه است که به واسطه شیوع کرونا در هنگ کنگ گیر افتاده است.
در این پرونده می توانید اطلاعات بیشتری درباره این پروژه و پاسخ ثور به سوالات خبرنگار زندگی سلام را بخوانید.
در کنار آن چند برش از خاطرات او در سفر به ایران را که پیش از این در وبلاگش منتشر کرده، برای شما در نظر گرفته ایم.

روح

وایکینگ‌ها

را درون خودم حس می‌کنم!

ثور بیون پدرسون ۴۱ ساله است و آن جایی که خودش هم می داند تلفظ اسمش کمی دشوار است، بیشتر از اسم کوتاه شده ثور برای خودش استفاده می کند. البته او برای خودش نام‌های دیگری هم در نظر گرفته است؛ مثل «وایکینگ مدرن». او در باره دلیل این نام گذاری به ما می گوید: «خب می دانید خون اسکاندیناوی در رگ‌های من جاری است! من در دانمارک که به دنیا آمدم؛ کشوری که ۱۱۰۰ سال پیش وایکینگ بود. وایکینگ‌ها به ماجراجویی و جهانگردی مشهور بودند، حالا من بدون استفاده از هواپیما سفر و روح وایکینگ‌ها را درون خودم حس می‌کنم.»
ثور به سه زبان انگلیسی، دانمارکی و آلمانی تسلط دارد، با اسپانیایی و فرانسه تاحد زیادی آشناست کمی هم عربی می داند.
او پیش از آغاز این پروژه به ۴۰ کشور سفر کرده که یکی از این سفرها، سفر سال ۲۰۱۰ او به ایران است. سابقه کار در شرکت‌های کشتیرانی را دارد. او سخنان خوبی هم هست. این ویژگی به او کمک کرده تا بتواند در این مدت به عنوان سخنران انگیزشی، از شرکت‌های بین المللی دعوت‌نامه بگیرد و برای روایتد برخی کشورها اقدام کند. همه این ویژگی‌ها دست به دست هم داده اند تا در نهایت ثور بتواند تا به امروز برنامه خود را پیش ببرد.

خانواده‌ام حامی من

در این سفرها بودند

بسیاری از افراد تا بخوانند چنین تصمیم‌هایی بگیرند با مخالفت خانواده روبه‌رو می‌شوند اما در باره ثور در واقع نفر اولی که باعث شکل گیری این ایده شد، پدر او بود. او می گوید: پدرم اوایل سال ۲۰۱۳ مقاله‌ای برای من فرستاد و این طوری بود که من فهمیدم تا به حال هیچ فردی به همه کشورها بدون هواپیما سفر نکرده است. آن جرقه شروع این ماجراجویی برای من بود. مادر هم البته فرد ماجراجویی است و زیاد سفر می‌رود. وقتی به او گفتم که می‌خواهم به دور دنیا سفر کنم، استقبال کرد. پدرم هم حامی این کار بود. آن قدر که حتی به من گفت اگر در میانه سفر، ناگهانی فوت کرد، من نباید سفرم را نیمه کاره رها کنم و به خاطر او برگردم! فقط وقتی این کار را تمام کردم می‌توانم سر خاک او بروم، دستم را روی قبر او بگذارم و بگویم: بابا، من انجامش دادم! البته خوشبختانه والدین من هر دو زنده اند و دو خواهر دارم که آن‌ها را بسیار دوست دارم.

سفیر حسن نیت

صلیب سرخ هستم

یکی از پشتیبان‌های مالی ثور، صلیب سرخ دانمارک است. برای همین، ثور در هر کشوری به دفتر مرکزی صلیب سرخ یا هلال احمر آن کشور سری می‌زند اما منظور از سفیر حسن نیت چیست؟ او توضیح می‌دهد: «این مجموعه در ۱۹۲ کشور وجود دارد و تا به امروز من به دفاتر ۱۸۹ کشور رفته‌ام. در طول سفرهایم، سعی کردم به دنبال داستان‌ها و اطلاعاتی از کارهای انسان دوستانه این مجموعه باشم و سپس تلاش کردم تا در مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها و شبکه‌های اجتماعی آن‌ها را به اشتراک بگذارم. امیدوارم با این کار، مردم به مشارکت بیشتر در این مجموعه چه در قالب نیروهای داوطلب و چه نیروهای رسمی، ترغیب شوند.»

سفر به ۱۹۴ کشور بدون هواپیما!

گفت‌وگوی اختصاصی خراسان با جهانگرد دانمارکی

درباره رکورد سفر به همه کشورها بدون هواپیما و تجربه سفرش به ایران



از دواج، ماجراجویی بزرگ بعدی‌ام است

از زمان شروع سفر ارتباط ثور و نامزدش قطع نشده است. نامزد او تلاش کرده جدای از تماس‌های منظم، هر کجا امکان داشته، با سفر به کشوری که ثور در آن حاضر بوده است، برای روزهایی به او ملحق شود. جالب این که شما حتی با دیدن عکس‌های تکی ثور هم می‌توانید متوجه شوید، در کدام کشور توانسته نامزد خود را ببیند، چطور؟ اوطلی این سفر تنها زمان‌هایی ریش خود را اصلاح کرده که موفق به ملاقات با نامزد شده است! در طول این مدت، نامزد او توانسته ۲۱ بار سفر کند و در نتیجه ثور هم ۲۱ بار ریش خود را کوتاه کرده است. ثور تصمیم دار بعد از اتمام این پروژه با نامزدش از دواج کند و بچه‌دار شوند. او این کار را «ماجراجویی بزرگ بعدی» خودش می‌نامد.



این سفرها در س‌های زیادی بر ایمن داشته است

انجام چنین پروژه‌ای حتما باعث می‌شود افراد تغییر کنند اما تغییراتی که در ثور روی داده، چیست؟ او می گوید: «من حالا شناخت بهتری درباره محدودیت‌ها، خطوط قرمز و ظرفیت‌های خودم دارم. جغرافیای من خیلی بهتر شده است و دوستانی از گوشه و کنار دنیا دارم. شناخت من از رسانه‌ها بیشتر شده و نکات زیادی در باره شبکه‌های اجتماعی یاد گرفته‌ام. حالا آگاهی بیشتری در باره فرهنگ‌ها و تاریخ دارم. تا به این جابرداشت من این است که دنیا جای آرامی است با حداقل خطرناک نیست. این برای من درس بزرگی است؛ این که بدانم که زمین‌ماز چیزی که معمولا از آن ترسیم می‌شود، دوستانه‌تر و معمولی‌تر است. درست است که برخی از مردم در زندگی در رنج هستند اما زندگی اغلب مردم این روزها حول موضوعاتی مثل غذا، خانواده، ورزش، ترافیک، موسیقی و سلفی گرفتن شکل گرفته است. تا من بتوانم دوباره به دانمارک برگردم، هفت سال از زمانی که آن‌جا را ترک کرده‌ام، گذشته و خب هفت سال برای تغییر دادن هر انسانی کافی است.»

۵/۳ ماه است به خاطر کرونا در هنگ‌کنگ ماندم

هم اکنون به واسطه شیوع کرونا ثور امکان سفر ندارد و در نتیجه

سفر بدون هواپیما، ماجراجویانه‌تر است

ویژگی متمایز کننده دیگر سفر ثور، استفاده نکردن از هواپیما در هیچ بخشی از سفرش است. اما دلیل این کار چیست؟ خودش می گوید: «مهم‌ترین دلیل این است که این کار پیش از این انجام نشده است. اگر من بتوانم این کار را انجام دهم، آن وقت اولین نفری خواهم بود که به همه کشورها بدون استفاده از هواپیما سفر کرده‌ام. البته من دغدغه‌های زیست محیطی هم دارم و این که از هواپیما استفاده نمی‌کنم، امتیاز خوبی در این زمینه است و شاید از همه مهم‌تر این که این نوع رفتن به کشورهای دیگر، سفری ماجراجویانه‌تر است.»

بودجه روزانه‌ام ۲۰ دلار است

برنامه‌ریزی برای شروع این سفرها حدود ۱۰ ماه طول کشیده است. ثور از اوایل سال ۲۰۱۳ مشغول برنامه‌ریزی بوده و در نهایت ساعت ۱۰:۱۰ روز دهم‌ماه دهم ۲۰۱۳ سفر خود را آغاز کرده است. او برای این سفر جدای از پس انداز شخصی‌اش، چند پشتیبان مالی هم دارد. البته با توجه به گسترده‌گی برنامه، ثور بسیار حساب‌شده هزینه می‌کند. بودجه روزانه او ۲۰ دلار است. هر چند این میزان پول در برخی کشورها قابل توجه است اما در کشورهای گران قیمت وضعیت متفاوت است. ثور در باره بودجه روزانه‌اش این‌طور توضیح می‌دهد: «این میزان، میانگین هزینه روزانه است و برای چهاربخش هزینه می‌شود: غذا، حمل و نقل، اقامت و ورواید. من غذاهای محلی می‌خورم و از حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنم. در اتاق‌های ارزان یا حتی در وسایل حمل و نقل می‌خوابم. بسیاری از اوقات هم مردم من را به خانه‌هایشان دعوت می‌کنند. هزینه ورواید البته قابل بحث است اما من هر روز نیازی به گرفتن ورواید ندارم و در طول زمان، هزینه سرشکن می‌شود.»

ضد عفونی‌کننده

بودن گرمای

داخل خودرو

تصورات اشتباهی

که مانع فرزندآوری می‌شود

خوب و بد امتحان

حضور ی با شرکت

افتخاری ویروس!

ر اندنگی خشن مردم نازنین ایران را درک نمی‌کنم!

برش‌هایی از خاطرات ثور در باره سفرهایش به ایران، کشوری که مهمان‌نوازی مردمش انتهای ندارد

ثور تا به حال سه نوبت به ایران سفر کرده است. بار اول خارج از این پروژه، در سال ۲۰۱۰ همراه با دوستی از استرالیا به مدت سه هفته با موتور ایرانگردی کرده است. نوبت دوم تابستان ۲۰۱۸ برای همین پروژه وارد ایران شد. در این سفر او ابتدا از کویت با قایق وارد خرمشهر شد. از خرمشهر با اتوبوس به تهران رفت. در تهران باز دید از دفتر هلال احمر را انجام داد. سپس با اتوبوس راهی بندر عباس و دست‌آخر از این شهر با لنج راهی امارات شد. نوبت سوم سفر او اما داستان جالبی دارد.

ماجرای سفر اجباری ثور به ایران!



سومین سفر ثور به ایران، ماجرای متفاوتی نسبت به دو سفر قبلی‌اش دارد. او که بعد از چند ماه از سفر تابستان، در اواخر پاییز به مغولستان رسیده بود، می‌خواست وارد چین شود که متوجه شد، دولت چین به هیچ عنوان اجازه ورود به او از سمت مغولستان را نخواهد داد. پس مجبور به تغییر در برنامه شد. برنامه‌ریزی دوم و سوم هم با موانعی روبه‌رو شد. در نهایت چهارمین برنامه عملیاتی شد. طبق این برنامه او طی ۱۴ روز از مغولستان

راه افتاد، از روسیه، او کرین، گرجستان و ارمنستان عبور کرد، سپس وارد ایران شد، به کرمان و سپس زاهدان رفت و از آن‌جا به مقصد بعدی یعنی پاکستان سفر کرد. در ادامه، برش‌هایی از خاطرات او در باره سفر به ایران را خواهید خواند.

ر اندنگی خشن این مردم نازنین!

خب من دوباره برگشتم و خیلی سریع یادم افتادم که مردم ایران چقدر کنج‌گاو صمیمی‌اند. در دسر گرفتن تا کسی این بار کمتر بود، به نظر می‌رسد که راننده‌ها مودب‌تر ندو پر خاشگری کمتری دارند. اما ر اندنگی همین مردم نازنین، خشن است. فقط کافی است شما بخوانید در ایران از خیابان عبور کنید تا متوجه شوید که چه می‌گویم. خوشبختانه من در آلبانی تمرین خوبی در عبور از میان ترافیک خشن را داشتم! اما واقعا چه اتفاقی برای این مردم آرام و مهربان، وقتی پشت فرمان می‌نشینند، می‌افتد؟

اعتماد ایرانی‌ها به مسافر تکان‌دهنده است

من حالا در بندر عباس هستم و مسعود، میزبان من است که از طریق یک سایت گردشگری پیدا کرده‌ام. او پسر خیلی خوبی است. همان روز اولی که من از راه رسیدم، او همراه خانواده‌اش برای خواندن نماز رفت و من را در خانه تنها گذاشت. این کار اعتماد زیادی لازم داشت، چرا که در آپارتمان یک تلوویزیون بزرگ و وسایل زیاد دیگر وجود داشت.

در کسری از ثانیه کمک از راه رسید

از پایانه اتوبوسرانی به سمت مترو راه افتادم. می‌دانستم که کدام خط مترو را برای رسیدن به ایستگاه راه‌آهن سوار شوم اما کمی در باره جهت آن مردد بودم. در کسری از ثانیه آقا بی‌پیشم آمد و از من پرسید، آیا نیاز به کمک دارم یا خیر. بعد من را راهنمایی کرد و همراه من سوار قطار شد. کمی با هم حرف‌زدیم تا به ایستگاهی رسیدیم که باید خط عوض می‌کردم. از قطار پیاده شدیم و برای من بقیه مسیر را توضیح داد و گفت که باید بعد از سه ایستگاه پیاده شوم و از من خداحافظی کرد. او خیلی به من کمک کرد، در حالی که حتی مسیرش هم با من یکی نبود!

مهمان‌نوازی ایرانی‌ها، انتهایی ندارد

مهمان‌نوازی ایرانی‌ها، انتهایی ندارد؛ خانه‌من، خانه‌شماست، صبحانه می‌خواهی؟ چیزی لازم داری؟ می‌خواهی برای گردش در شهر، بیرون برویم؟ این‌پسور دوای‌فای خانه است، بیا برای ناهار بیرون برویم... هیچ اهمیتی هم ندارد که من چقدر برای پرداخت هزینه‌ها اصرار کنم، هیچ فایده‌ای ندارد. همیشه جواب همین است: «یک‌روز که دانمارک آدمم، می‌توانی جای من پول بدهی». فکر کنم روزی که صد هانفر از گوشه کنار دنیا به دیدن من به دانمارک بیایند، من و رشک‌ش بشوم، آخر دانمارک که کشور خیلی گرانی است!